

مذاکرات مجلس

شماره

سی و هشتم

جلسه

۷۰

قیمه اشتراك

داخله ايران ساليانه ده تومان

خارجه « دوازده تومان »

قیمه تك شماره

يك قران

مندرجات

فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود.

پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در يك شماره منتشر میشود.

مطبعة مجلس

تاریخ تأسیس آذر

۱۳۰۵

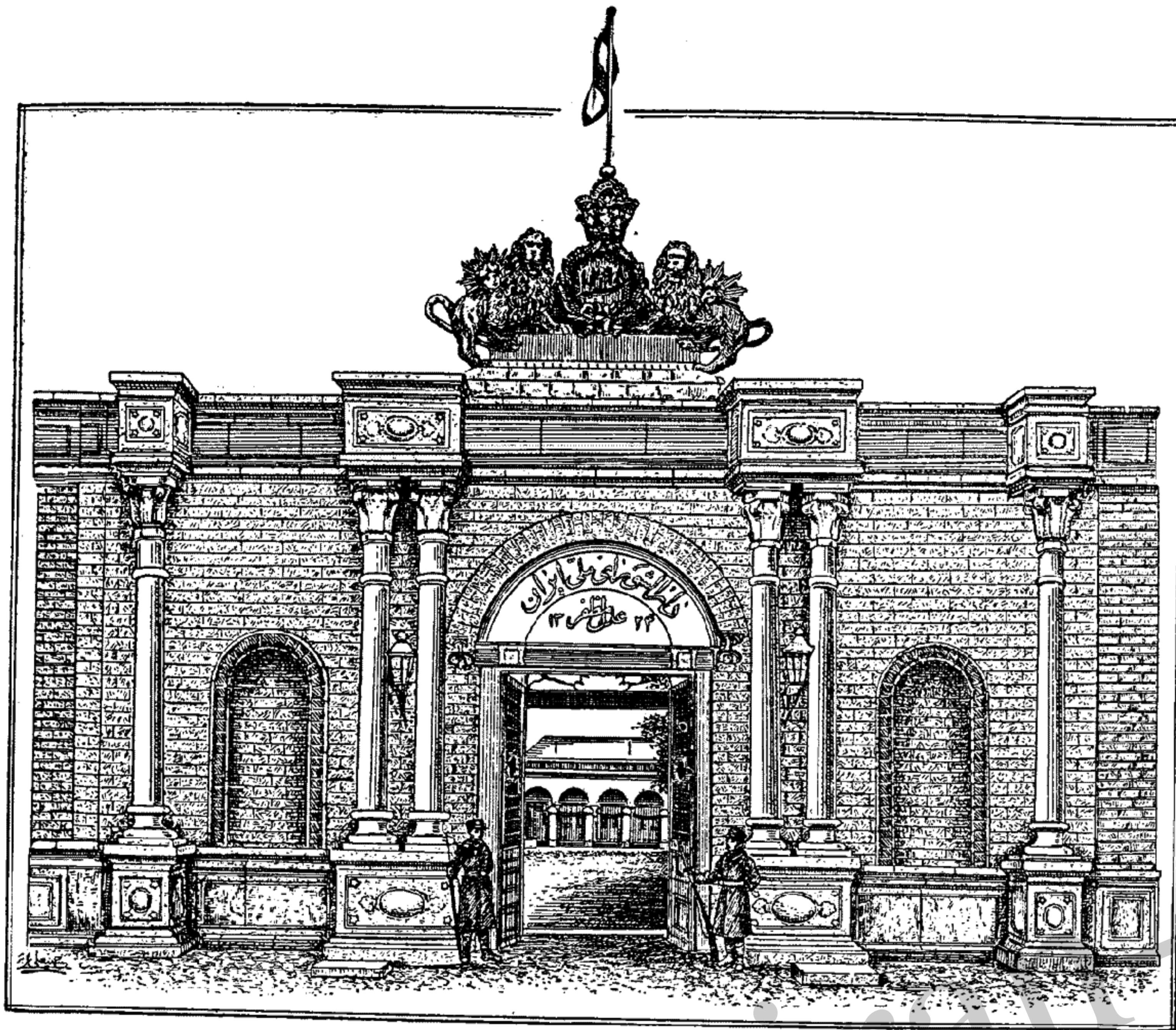
جلسه پنجمین ۱۱ اسفندماه ۱۳۰۵

مطابق ۲۸ شعبان

۱۳۴۵

فهرست مندرجات

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	سؤال آقای حاج آقا رضا رفیع از آقای وزیر مالیه راجع باقتصادیات و جمعیت نهضت اقتصاد و جواب آقای وزیر مالیه	۶۹۹	۷۰۱
۲	مذاکره نسبت بخر کسیون قوانین مالیه راجع بیانک ملی از ماده ۳ الی ماده ۶	۷۰۱	۷۱۷
۳	مذاکره نسبت بخر کسیون بودجه راجع بشهریه ورثه عماد دفتر و تصویب آن	۷۱۷	۷۲۰
۴	مذاکرات آقای حائری زاده راجع به شیوع مشروبات الکلی و لزوم جلوگیری از آن	۷۲۰	۷۲۱
۵	قانون اجازه پرداخت ۲۳ تومان شهریه در باره وراثت مرحوم عماد دفتر	۷۲۲	



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس مورخه پنج شنبه ۱۱ اسفندماه ۱۳۰۵ مطابق ۲۸ شعبان ۱۳۴۵

جلسه ۷۰

رئیس - صورت مجلس مخالفی دارد یا نه ؟
(گفته شد خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد...

(مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر برپاست
آقای بیرنیا تشکیل گردید)
(صورت مجلس سه شنبه نهم اسفند ماه را آقای آقا
سید ابراهیم ضیاء قرائت نمودند)

رئیس - آقای حاج آقا رضا رفیع سؤالی از آقای وزیر مالیه داشتید؟ بفرمائید

حاج آقا رضا رفیع - آقایان بخاطر دارند اوایل افتتاح مجلس در آن موقعی که اظهار تمایل بکابینه آقای مستوفی شد وکلای شمال عموماً تقاضا شان این بود که در کار اقتصاد ترتیبی داده شود و برای این امید واری آنطور اظهار تمایل کرده و منتظر هم بودیم در مجلس هم حتی سؤال شد و وزیر امور خارجه هم وعده کردند در هفته بعد جواب بدهند مدتی از این بین گذشت و آری بظهور رسید و مردم همانطور در فشار و بدبختی و گرفتاری بودند. و بالاخره ما وکلای گیلان و مازندران و خراسان و آذربایجان هم که ورقه استیضاح را امضاء کردیم برای این بود که مقصود ما حاصل نشد یعنی مردم راحت نبودند بعد موافقت نظر هائی حاصل شد و چند نفری هم از مجلس رفتند که باتفاق هم کمک کنند و ترتیبی باین مسئله بدهند ما هم موافقت کردیم. برای اینکه ما غرضی نداشتیم. ما مقصودمان این بود که مردم راحت بشوند و برای اقتصاد يك قدمهای اساسی از طرف دولت برداشته شود. این بود که اظهار تمایل کردیم و مجدداً کابینه هم تشکیل شد و آقایان هم نشریف آوردند. و فردا فرد آقایان مشغول يك اقداماتی هستند آقای وزیر عدلیه يك لایحه در مجلس عنوان کردند. ما هم مساعدت کردیم و انتظار داریم به بینیم چه کار میکنند و انشاء الله موفق هم میشوند. آقای وزیر معارف وعده هائی داده اند و امیدواریم بوعده وفا شود. ولی بنده همه نظرم بوزیر امور خارجه است و حالاً هم که آقای وزیر مالیه تشریف دارند نمیدانم میتوانند جوابهای بنده را بدهند یا اینکه باید خود ایشان جواب بدهند که در این کار چه اقداماتی کرده اند؟ چند نفر نماینده هم از گیلان معین شده اند (از نهضت اقتصاد) که اخیراً بطهران آمده اند آنها هم از بدبختی و گرفتاری مردم بسمع اغلب آقایان رسانده اند. ما چند نفر نمایندگان گیلان هم که در این مجلس حضور داریم اغلب روزها بما رجوع میکنند و

حقیقه ما نمیدانیم چه جواب بدهیم؟ بنده میخواستیم بدولت عرض کنم که این ارادت ما بشما فقط از نقطه نظر اصلاح کار مردم است. این قلبهای صافی که ما بشما داریم اگر این مسائل اصلاح شد همینطور ما کمال ارادت را داریم و مخلص شما هستیم. ولی اگر درست نشد کم کم قلب ما کدر میشود و بر اثر آن کدورت تصور میکنم آن کارهای سفید هم کم کم دارای بکرنک غیر سفیدی و حال کودی پیدا کند. البته قبلاً باید عرض کنم يك چند روز دیگر یا چند هفته دیگر شاید یکی دو هفته دیگر بتوانیم این دوام را داشته باشیم و منتظر اقدامات آقایان باشیم بلکه تکلیف قطعی این مردم را معلوم کنند و ما هم بتوانیم يك جوانی با آنها بدهیم. حالاً هم خواهش میکنم اگر ممکن است بما اطلاع بدهند که با اصطلاح يك بوی خوشی ممکن است تصور شود که مردم راحت شوند یا خیر؟ و حقیقه اگر آقای وزیر امور خارجه بالاخره نمیتواند این کار را بکنند بیایند بگویند نمیتوانند. من خیلی خوشم می آید. اغلب آقایان ملاحظه کرده اند در خیابان اگر بيك حمالی بگویند (حمالی هم کسب یا شرافتی است و بعقیده بنده اول کسب است) اگر بار بگویند بیا این بار را از اینجا ببر می آید دست میزند و میگوید من نمیتوانم. آدم از اول بار را می بیند اگر نمی تواند قبول کند اگر يك آدم خوبی است میگوید نمیتوانم و اگر میتواند بمنزل برساند فوراً بلند میشود و قبول میکند. بنده حقیقه میخواستم بفهمم باینکه چه قدر باید منتظر باشیم و تاکی باید منتظر باشیم؟ فقر و فلاکت و بدبختی. نا اندازه ایست که من نمیدانم چطور برای آقایان ذکر کنم؟ گیلان و مازندران و رعایای کنار بحر خزر که همیشه میتوانند به سایر مردم ولایات کمک کنند امروز وضعیت آنها طوری است که حقیقه برای معاش معطلند...

دکتر سمنگ - گریه اوراست.

رفیع - بلی گریه آور است. بالاخره همه نان میدانید این است که عرض میکنم اگر بدون ظاهر سازی و سؤال و جواب و این حرفها حقیقت این مسئله را برای ما نقل میکردند ما متشکر میشدیم که اگر ممکن است بفرمایند ممکن است و اگر ممکن نیست زودتر بگویند از دستان بر نمی آید زیرا که مستحضر میشدیم و میتوانستیم تکلیف قطعی مردم را معلوم کنیم

وزیر مالیه - البته بنده تصدیق میکنم کابینه نمایندگان محترم (علی الخصوص نمایندگان که از عملهای منتخب شده اند که منتسب هستند بوضعیت اسف آوری که در مملکت ایجاد شده است) باید متأثر باشند. و البته آقایان هم حق دارند که هر نوع سؤال و تحقیقی از فقره اجرائیه (که مأمور اجرائیات مملکت است و باید مطابق صلاح مملکت در تحت نظریات آقایان امور را اداره کند) بکنند. ولی از نماینده محترم منصفانه سؤال میکنم که (علی الخصوص که ضمن سؤال و تذکر) آیا نبایستی این نکته را در نظر داشته باشند که از يك الفاظ و عبارتی که ممکن است يك سوء تعبیری در خارج نسبت به آنها بشود يك قدری خود داری بفرمایند؟ زیرا در نظر مردمیکه در خارج هستند اینطور تلقی میشود که دولت مورد اعتماد یا مورد حسن نظر آقایان نیست ولی یقین دارم که نماینده محترم هیچ نظری بذکر این مثل نداشتند غیر از نظر خوب و نظر خیر. ولیکن ایشان باید تصدیق بفرمایند که ممکن است معبرین در خارج به صورتهای دیگری قضا یا را تعبیر کنند. آقای وزیر امور خارجه چون حاضر نیستند بنده بعد از این توضیح مختصر که میتوانم در عالم همکاری به عرض آقایان برسانم و نسبت باصل موضوع جوابیکه مقتضی است عرض کرده باشم. همانطوریکه خود آقایان مستحضرند از نقاطیکه این قضیه مبتلا به است نماینده هائی بطهران آمده اند اجتماعاتی دارند البته بعرض رسیده است که هر

روز با رئیس الوزراء و هیئت دولت مشغول مذاکره و مبادله فکر هستند و آقایان باید یقین بدانند که کابینه فعلی به تمام معنای کلمه متوجه باین وضعیت و طول کشیدن آن و وخامتی را که دارا هست هستند. و کاملاً با این توجهی که دارند در صدد اصلاح و چاره جوئی هم هستند ولی جریان امر در يك مرحله از عمل هست و فعلاً در يك موقع از عمل است که از دادن توضیحات بیشتری راجع به جریان مذاکره و جریان امر امروز و تا يك چند روز دیگری دولت خود داری میکند البته بمجرد اینکه از این مرحله فعلی خارج شد برای اینکه توضیحات بیشتر و واضحتری از جریان امر داده شود هم آقای وزیر امور خارجه - هم بنده - هم آقای رئیس الوزراء همه حاضریم سؤالاتی که آقایان آقا سید یعقوب و نامداد کرده بودند که بنده برای جواب آنها آمده بودم ولی همینطوریکه ملاحظه میفرمائید يك حال سرما خوردگی و شکستگی صدائی دارم که استدعا میکنم چون سؤالات مفصل است و مخصوصاً طرف سؤال هم آقای آقا سید یعقوب هستند برای جلسه دیگر بگذارند...

آقا سید یعقوب - ما مخالف دوات هستیم. آقا موافق بودند

وزیر مالیه - دولایحه هم تقدیم مجلس میشود. یکی راجع به تقاضای اعتبار است برای اجرای قانون راه آهن دیگری لایحه ایست راجع به عیدی مستخدمین جزء که همه ساله معمول بوده است و سابق بر این در وزارتخانهها از صرفه جوئی پرسنلی خودشان میپرداختند ولی چون در بودجه ۱۳۰۵ جزء بودجه وارد شده است باین ملاحظه حالا دیگر ما خودمان را مجاز نمیدانیم قبل از اینکه تحصیل اجازه کرده باشیم بپردازیم. این است که يك ماده واحده برای اینکه ممکن است بودجه ها دیر از مجلس بگذرد تقدیم میشود که در مجلس تصویب شود که مطابق معمول همه ساله آن عیدی که به مستخدمین پرداخته میشده داده شود.

حاج آقا رضا رفیع - اجازه میفرمائید؟ -

رئیس - بفرمائید

رفیع - آقایان تصدیق میفرمایند که در عرایض بنده توهینی نبود و نباید هم بشود برای اینکه رای اعتماد و محبت و ارادتی که با دولت از طرف اکثریت بود بهمین جهت بوده است و همانطور که قبلاً عرض کردم باید باین اعتماد اهمیت بدهند و نگذارند این اعتماد بیک چیزهایی لکه دار شود برای اینکه بنده همیشه میخواهم این اعتماد باقی باشد این بود که این تذکر را در ضمن سؤال بدولت دادم که ما این اعتماد را برای این دادیم که کار مملکت و مردم بدبخت اصلاح شود و این امر طبیعی است که اقتصاد باید رونقی پیدا کند و البته چندیم صبر خواهیم کرد - دولت هم طرف اعتماد ما است باید همینطور هم باشد و البته خود دولت هم اجازه میدهد که پس از آنکه مایوس شدیم کار بیک صورت دیگری پیدا میکنند.

رئیس - لایحه که آقای وزیر مالیه دادند باید مراجعه شود بکمسیون بودجه

جمعی از نمایندگان - صحیح است

رئیس - خبر کمیسیون قوانین مالیه نهم بهمن ماه

راجع به بانک ملی از ماده سه مطرح است

(ماده مزبور بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۳ - محل نادیه وجه برای سرمایه اصلی بانک رجوع حاصله از فروش جواهرات دولتی و خالصجات که لواحق آن علیحده تقدیم مجلس شورای ملی شده است خواهد بود - بعلاوه برای تأمین پرداخت مبلغ پنج میلیون تومان مساعده مذکوره در ماده ۲ از اول سنه ۱۳۰۷ تا دوازده سال همه ساله مبلغی از عواید جاریه دولت برای نادیه بیانک ملی در جزو بودجه مخارج مملکتی پیش بینی میشود در هر صورت جمع مبلغ مذکور نباید از پنج میلیون تومان تجاوز کند

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بیک مسأله که صحبت میشود برسبیل ابهام است مثلاً اینجا نوشته از وجهی که پیش دولت ودیعه است مبلغی که معادل پنج میلیون است دولت سرمایه بیانک بدهد - این بسیار کار خوبی است بسیار کار مستحسبی است - و البته باید پول را گذاشت برای تأسیس بانک اما این بطور کلیت است (بنده اگر بعنوان مخالفت این اظهار را نمیکنم نوبت به بنده نمیرسد) یکی از ودایعی که هست ودایع استینافی و تمیزی است. اگر چه موضوع عدلیه در بین نیست اما اصل موضوع ودایع استینافی و تمیز که در صندوق است از جمله ودایع دولتی است...

عمادی - در بانک است

آقا سید یعقوب - کوش بدهید، بکفداری از آن از جمله ودایع دولتی است و از چیزهایی است که بعنوان ودیعه پیش دولت است حالا خواستم آقای مخبر توضیحی در این باب بدهند که به بینم این بویلیکه پیش دولت ودیعه است و میخواهند سرمایه بانک قرار بدهند جزو آن ودایع استینافی هم هست یا نه. اگر باشد گمان نمیکنم مطابق قانون دولت بتواند زیرا آن قانون که هنوز موادش از بین نرفته مگر اینکه نقض بشود و یا اینکه بیک تبصره در اینجا اضافه شود که مقصود از ودایع غیر از ودایع استینافی و تمیز است والا اگر مقصود آن باشد که نمیتوان اینکار را کرد زیرا در واقع مال دولت نیست. مگر اینکه توضیح بدهند که آن مستثنی است والا بنده مخالفم

فهیومی (مخبر کمیسیون قوانین مالیه) - بطوریکه

در ماده ملاحظه فرمودید وجهی را که میتوانند بیانک بدهند وجهی است که متعلق بدولت است و در بانک ودیعه گذارده است نه بیک وجهی که بیک اداره یا ماتت ودیعه داده است البته آن وجه صاحب دیگری دارد

و متعلق بدولت نیست و دولت حق تصرف ندارد. دولت آنها را باید نگهداری کند با صاحبش برگردد و در اینجا هم قید شده است که دولت ودیعه خودش را میدهد و بطوریکه در مقدمه رأیت ذکر شده بیک بودجه تصویب میشود ولی تا آخر سال آن مخارج مصرف نمیرسد و باقی میماند چنانچه ملاحظه فرمودید در جلسات قبل هم صحبت شد که ممکن است یعنی از قراریکه میگویند سه چهار میلیون وجه از انافع عایدات سنوات ۱۳۰۴ و ۱۳۰۵ باقی مانده است شاید هم باشد ولی اینها رجوهی نیست که اضافه آمده باشد چون بودجه از اول سال که شروع میشود تا آخر سال بعد مطابق قانون محاسبات عمومی جریان دارد بیک اعتبارات تصویب میشود برای مخارج که تا آخر سند مالیه حوالجات آنها صادر میشود ولی ممکن است پرداخته نشود. اینجوه در عرض اینمذت ناموقعی که بمصرف میرسد بعنوان ودیعه در بانک خواهد بود و اینجا نوشته است که دولت میتواند از این ودایع برای تأسیس بانک مصرف بکند محل دیگری هم تخصیص شده است برای اینکه قرض دولت پرداخته شود زیرا این پول ودایع بیک مصرف مخصوصی دارد که دولت نباید آنها را بمصرف دیگری برساند یا بیانک بدهد این است که میگوید بعنوان قرض بیانک بدهد بعد از محل دیگری که معین شده است متدرجاً بپردازد که هم بانک بیک سرمایه ابتدائی داشته باشد و در مضیقه نباشد و هم وجوه ودایع مصرفیکه در بودجه تخصیص داده شده است مجدداً برسد

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - باینکه نسبت به این ماده در جلسه که این قانون مطرح بود پیشنهادهائی شد با قابل توجه شد یا اینطور بنظر میآید که مخبر محترم تقاضای ارجاع بکمسیون کردند تقریباً آن مقصودی را که ما داشتیم می بینیم تأمین نشده است و آن این است که باز آن کله (مساعده) که آروز هم مورد تنقید مجلس واقع شد و

همینطور در آخر جمله کله (قرض) اینها بالاخره نتیجه اش این میشود که پوهائی که ما فعلاً از صرفه جوئی یا هر اسمی که رویش بگذارید در بانک داریم یا بیک ریج کمی بگیریم و بدهیم برای تأسیس بانک و اگر پنج میلیون هم نشد سالی بیک مبلغی که بیشتر از پانصد هزار تومان نباشد باز قرض بدهیم و از عبارت آخر ماده اینطور مفهوم میشود که پس از آنکه قرض دادیم بکروز هم دولت پس بگیرد - مفهومش این است ولی منظوقش خوب نوشته نشده - مفهوم ماده را وقتی خوب دقت کنید این میشود که از پوهائی که دولت ما در بانک دارد و الان در آنجا بیکار است و ما میخواهیم انتقال بدهیم. این بانک و سرمایه بانک را برسانیم به پانزده میلیون و از آن پانزده میلیون معادل نصف سرمایه را صرف کارهای اقتصادی کنیم. این را دولت باید قرض بدهد بیانک و بکروزی هم پس بگیرد. البته قرض هم مستلزم بیک منفعتی است و تمام مخالفتی که در آن جلسه شد برای همین مقصود بود که باید پوهائی بیکاری که امروز در بانک خارجی داریم این را سرمایه اولی بانک ملی ایران قرار بدهیم یعنی بگوئیم این سرمایه بانک دولتی یا ملی ایران است دیگر این را دو باره برگردانیم بخزانه مملکت نمیدانم مقصود چیست. همینطور کله (مساعده) آن روز هم عرض کردم این کله مد شده و بیک معمولی بین دولت و بانکهای خارجی شده که بنده خوب نمیدانم و باید این الفاظ را ما از بین برداریم. بنده این کله را انقدرها خوب نمیدانم و تصور میکنم که این لفظ بکروزی بیک گرفتاری اقتصادی برای ما درست کند. ما آن روز هم پیشنهاد دادیم که هر چه دولت پول در بانک خارجه دارد خواست آن را انتقال بدهد باین بانک خودمان و همان را سرمایه اولیه بانک قرار دهد. اگر این مبلغ بقدر پنج میلیون شد که هیچ و اگر هم نشد دولت سالی پانصد هزار تومان از عواید مملکت سالیانه برداشت کند و سرمایه این بانک قرار دهد بدون اینکه

کلمه مساعده را هم ذکر کنیم. بعلاوه بنده معنی جمله اخیر این ماده را اصلاً نفهمیدم چیست. زیرا مبهم است و هزار بطن دارد و هر بطنش هم هزار بطن. بنده موافق نیستم که این جمله: (از بابت قرض بانک بخزانه محسوب خواهد بود) در این ماده باشد و با آن مخالفم. بنده معنای این جمله را که نفهمیدم چیست و خوبست آقای مخبر توضیح بیشتری بدهند. آیا مقصود این است که ما از خزانه دولت و بالتبع از بانک خارج پول قرض کنیم و یک روزی پس بدهیم و تزیل هم بدهیم؟ اگر مقصود این است که بنده با این ترتیب کاملاً مخالفم و معتقدم که ما هر چه پول داریم باید همان را سرمایه بانک قرار بدهیم بدون اینکه اسامی را مساعده یا قرض بگذاریم.

مخبر - برای رفع اشتباه عرض میکنم ادارات مختلفه که دارای ابواب جمعیه هستند ممکن است با یکدیگر حساب جاری و داد و ستد داشته باشند چنانچه الان هم خزانه مبلغی با اداره ارزاق بعنوان قرض داده بعد از محل فروش جنس این قرض خودش را پس میگیرد. این قرض است. بانک هم که یک مؤسسه تجاری است و سرمایه آنرا دولت میدهد. سرمایه بانک با باید در جزو بودجه مملکتی از عوائد جاری معین شود و در ضمن مخارجی که در مجلس تصویب میشود یک ماده هم بعنوان اعتبار پنج میلیون برای تأسیس بانک تصویب شود ولی اینجا این منظور نیست بلکه نظر این است که محل سرمایه بانک از جای دیگری تأمین شود و از عوائد جاری مملکتی نباشد ولی اگر دولت پنج میلیون تومان پول حاضر اضافه بر مخارج معمولی خودش داشت ممکن بود بطوریکه عرض کردم یک ماده به مجلس پیشنهاد کند که این پنج میلیون صرف تأسیس بانک شود.

ولی فعلاً این محل را ندارد. بنا بر این وجوهی را که دولت از ودایع خودش به بانک میدهد و صرف این کار میکنند در واقع قرض میدهد و در این مورد جز کلمه

قرض عنوان دیگری نمیتوان روی آن گذارد. مقصود هم این نیست که دولت برود و از یک بانکی پولی قرض کند و با یک نفعی بان بانک بدهد بلکه مقصود این است که دولت از وجوه موجوده خودش یعنی از وجوهی که در خزانه است برای سرمایه بانک باو قرض بدهد. و بانک یک حسابی باز خواهد کرد پس از اینکه این وجوه به بانک داده شد خزانه هم باید دوباره محل خودش را بزرگ کند زیرا وجوهی که در خزانه هست برای یک مصارف معینی است. خوب از چه محلی باید این وجوه بخزانه داده شود؟ ما گفتیم که از بودجه های ۱۳۰۴ و ۱۳۰۵ و ۱۳۰۶ بعد از پرداخت مخارج هر مبلغی که اضافه شد آن اضافه را بپردازند و از بابت پنج میلیون حساب کنند و بهر مقداری که از این بابت بخزانه دولت بر میگردد در واقع از حساب بانک بخزانه پاك شده و طلب خزانه از بانک کسر میشود و هر مقدار دیگر که باقی ماند از سال ۱۳۰۷ در هر سال یک مبلغی که کمتر از پانصد هزار تومان نباشد در بودجه مملکتی برای اینکار دولت پیش بینی کند و مجلس هم تصویب کند که دولت اجازه داشته باشد این مبلغ را بخزانه بپردازد تا وقتی که حساب خزانه تماماً پاك شود و طلب خزانه از بانک کاملاً محو شود و در واقع این یک حساب جاری خواهد بود بین خزانه و بانک که بالاخره هر مبلغی که از عوائد دولت یک مرتبه یا متدرجاً پرداخت شود بحساب بانک منظور میشود و بموجب یک سند رسمی خزانه میتواند آنرا جزو حساب خودش بگذارد و همانطوریکه مثلاً خزانه فلان مبلغ بوزارت فواید عامه یا خارجه بعنوان قرض میدهد و بعد بحساب می آورد. اینجا هم همینطور است تا حساب تسویه شود و دیگر خزانه طلبی نداشته باشد و از طرف دیگر سرمایه هم که برای بانک معین شده است برسد و کار بانک بچریان بیفتد.

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - بنده خیلی میل داشتم بدانم که این

ودایع که جمع ودیعه است عبارت از چیست؟ ودایع يك معنی لغوی معمولی متداولی دارد و ممکن است که ما يك معنی از این کلمه در قلبان باشد که این لفظ بازاء آن معنی حمل شود ولی همینکه از مجلس بیرون رفت همان معنی حقیقی خودش را استعمال کند و ودایع جمع ودیعه است. خوبست توضیح بدهند که مقصود از ودایع چه چیز است و چه یوهائی است؟ پولی که به معنی خودش ودیعه حساب میشود همان پولی است که در عدلیه گذاشته میشود. این پول هارا که میشود دست زد زیرا تصدیق میفرمائید که اینها يك پولی است که بعنوان ضمانت و ودیعه مردم در عدلیه گذارده اند و مرفعه که تمام شد صاحب پول پول خودش را استرداد میکند. این پول را دولت نمیتواند تصرف بکند و جزو سرمایه بانک قرار دهد یا بعنوان قرض حساب کند اما وجوهی که از بابت تقاعد گذاشته میشود بنده نمیتوانم باین قسمت کلمه ودیعه اطلاق کنم و این پول را مال دولت میدانم. يك قانونی ما از مجلس گذرانیم که هر يك از مستخدمینی که دولت استخدام میکند باید مطابق این شرایط باشند و یکی از شرایط مندرجه در آن قانون هم همین است که از حقوق آن مستخدمین صد يك یا صد دو کسر کنند و بعد چنانچه يك مراتبی را طی کردند و مثلاً بفلان سن که رسیدند دولت این پول را بعنوان تقاعد بانها بپردازد اعم از اینکه این پولی را که کسر کرده اند مطابق بکند با آن مبلغی که دولت باید تادیه بکند یا نکنند اگر اضافه شد مال دولت است کسر هم شد دولت باید آن مبلغ را بمستخدم بپردازد در هر صورت من هیچ دلیلی برایش نمی بینم که بگویم پول مال مردم است. مال مردم یعنی چه؟! مال دولت است و دولت حق همه نوع تصرف را دارد. اما کلمه مساعده مساعده یعنی پول پیشکی بدهند و بعد در ازایش تنخواهی یا يك مال معین و مخصوصی را بگیرند. بنده نمیدانم بانگی را که ما میخواهیم

تأسیس کنیم و این بانک هم فقط قائم به سرمایه است اینطور میخواهیم اداره کنیم و سرمایه بهش بدهیم؟! همان یوهائی که اسامی ودیعه است و به بانک شاهنشاهی داده میشود. البته دولت بهر ترتیبی که مقتضی میدانند آن یوها را باید به بانک تادیه کند که عجلاله معین و مشخص باشد که بانک دارای يك سرمایه ثابت میباشد وزیر مالیه - ودیعه و ودایع در مالیه يك اصطلاحی است جاری و مقصود وجوه امانتی است و گمان میکنم از نقطه نظر لغوی هم دور از معنی اصطلاحی نباشد. کلیه وجوهی که در مالیه برای يك مصرف معینی نگاهداشته میشود تا آن مصرف نرسیده در هر کجا و هر اداره ای که باشد ودیعه است و اگر این بین اهلایین بعد نبود بنده چندین تعجب نمیکردم که چرا آقای کازرونی این سؤال را میکنند ولی این استثنائی که کرده است وجوه قند و چای و شکر را خود این خوب معرفی میکنند که مقصود از ودایع چیست؟ وجوه انحصار قند و چای که شما دارید غیر از این است که يك عوررضی است که برای يك کار معینی تخصیص داده اند و در يك جائی محفوظ است و از این قبیل شد. يك چیزهایی خاصی در مالیه دارید. اینها را میشود گفت ودایع و بهیچوجه من الوجوه شامل ودایع استثنائی نیست و همانطور که آقای مخبر محترم کمیسیون قوانین مالیه توضیح دادند این وجوه ودایع که اینجا نوشته شده است مقصود وجوه دولتی است و شما زیاد در آن باب تکرار و اصرار نفرمائید زیرا معنایش این میشود که دولت میتواند امانات مردم را که در ادارات میباشد تصرف کند در صورتیکه وجوه ودایع يك وجوهی است که برای يك مخارجی از يك محل معین عاید میشود، مساعده را هم که میفرمائید اینهم باز اصطلاح است بالاخره باید آقایان قائل شوند که در هر اداره ای يك مصطلحات خاصی هست هر اداره ای با اداره دیگر وقتی يك چیزی اضافه از آنچه باید باو بدهد میدهد که بعد پس بگیرد این مساعده است و این

بکنند که حتی المقدور منافع وجوه دولت بخرانده دولت عاید شود.

شیروانی - دو مرتبه قرائت شود

(مجدداً بشرح سابق قرائت شد)

مخبر - اولاً آقای احتشامزاده خودشان تصدیق

میفرمایند که این مطلب مربوط باین ماده نیست ممکن است بعد علیحده پیشنهاد کنند تا بنام تاسیس بانک لفظ اعمی است اگر چهار تا اطلاق معین کردند و گفتند «بانک» این تاسیس بانک است و یک روز هم که شعب بانک در تمام ولایات داخله و خارجه تاسیس شد آن هم تاسیس بانک است. در صورت اول خودشان بفرمایند که چه قسم ممکن است وجوه ودایع را در یک بانکی که تازه امروز تاسیس کرده اند و هنوز کارهایش مرتب نشده و شعبش تاسیس نشده گذاشت؟ البته این یک موضوعی است که دولت خودش باید این کار را بکنند تا بحال اگر دولت معاملاتش را با سایر بانکها کرده است برای این بوده است که بانک نداشته ایم ولی وقتی که دولت بانک پیدا کرد و داخل داد و ستد شد البته مورد ندارد پولهایش را در جای دیگر بگذارد. مکلف کردن دولت را باین امر که از روز تاسیس بانک وجوه ودایع را در آنجا بگذارد صحیح نیست و بنده معتقد نیستم با اینکه اساساً بنده تصدیق دارم که حتماً باید وجوه دولت در بانک ملی باشد ولی باقید اینکه از روز اول دولت تمام وجوه ودایع خودش را آنجا جمع کند بنده موافق نیستم حالا بسته است بنظر مجلس

رئیس - آقای افشار

افشار - این تبصره که پیشنهاد شده است اگر آقای مخبر توجهی می‌کردند این اعتراض را نمی‌کردند مقصود این نیست که بمجرد تاسیس بانک دولت وجوهی که در بانکهای خارجه دارد باین بانک انتقال بدهد همانطور که فرمودند تاسیس بانک اعم است

اصطلاح در همه جا هست و گمان می‌کنم خیلی هم روشن باشد و گمان نمی‌کنم اشکالی داشته باشد. آقای شیروانی فرمودند عبارت ماده مبهم است بنده حرفی ندارم اگر بخواهند عبارت را عوض بکنند ولی بنده ابهامی در عبارت نمی‌بینم. آقای کارزونی یک نکته دیگری فرمودند و آن بواسطه عدم توجه است بنده دوم ماده دو که گذشته اگر بآن توجه می‌فرمودند (نمیدانم باین ماده رای دادند یا نه) ملاحظه می‌فرمودند سرمایه اصلی بانک این وجوه نیست یک وجوه دیگری است برای پیش بینی اینکه تا آن وجوه باین بانک برسد بانک معطل نماند ماده سه یک محللهائی را معین کرده است که موقفاً از آن محل ها یک پول هائی باین بانک داده شود و بعد از آنکه ماده دو اجرا شد پول هائی که بموجب ماده سه داده شده باید برگردد و اصولاً و حقاً هم باید برگردد بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - آقایان مذاکرات را کافی میدانند

بعضی از نمایندگان - بلی کافی است

رئیس - تبصره پیشنهاد شده قرائت میشود

(بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می‌کنم تبصره ذیل به ماده ۳ الحاق شود:

تبصره - پس از تاسیس بانک دولت مکلف است کلیه وجوه ودایع خود را از بانکهای دیگر باین بانک ملی ایران منتقل نماید. احتشام زاده
رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - بطوریکه خاطر محترم آقایان

نمایندگان مستحضر است دولت وجوهی دارد که آن وجوه در بانک شاهنشاهی است و البته بانک از آن وجوه یک استفاده هائی میکند و یک استفاده های کمی هم بدولت میدهد بنده معتقدم پس از آنکه بانک ملی ایران تاسیس شد استفاده ای را که بانک خارجی از این پول میکند بانک ملی ایران

از روزیکه چهارتا اطاق ساخته شود ر موقعیکه شعبش در تمام نقاط دائر شود فقط مقصود این است که پول هائی که دولت در بانکهای خارجی دارد باید باین بانک خودش انتقال دهد. وزیر مالیه - بنده گمان میکنم که آقای مخبر تبصره خوب توجه داشته اند. در تبصره نوشته است دولت مکلف است، وقتی مکلف شد بمجرد تاسیس بانک باید تمام ودایع خودش را انتقال بدهد یا آنجا...

شیروانی - مقصود همین است

وزیر مالیه - مقصود این است ولی اینکار وقتی باید انجام بگیرد که بانک تاسیس شده و بجزبان افتاده باشد بانک که تاسیس میشود باید درست بشود و بکار بیفتد و تجربه بکنند بعد این کار را بکنیم والا بانکی که روز اول تاسیس میشود ممکن است وسایل کافی برای حسب کردن و فرستادن و گرفتن و حفظ کردن این وجوه نداشته باشد اقلأ باید یکسال دو سال کار بکند بعد البته دولت اینکار را خواهد کرد و تاسیس بانک برای همین شده است ولی بنده قائل نیستم که دولت را مکلف کنند در همان اول اینکار را بکنند مگر اینکه همانطور که آقای مخبر گفتند ماده دیگری تهیه کنند با مدت معین کنند و با ذکر کنند وقتیکه بانک کاملاً دائر شد یک ترتیبی بدهند که تولید اشکال نکنند ما امروز میخواهیم یک کاری بکنیم که مفید باشد میخواهیم یک کاری بکنیم که فردا بیائیم تقاضا کنیم یا وزارت مالیه یا دولت دچار یک خطرات و اشکالات بشود که البته آقایانهم تصدیق ندارند

رئیس - رأی میگیریم

احتشامزاده - اجازه میفرمائید بنده اصلاحی دارم

رئیس - پیشنهاد آقای مدرس قرائت میشود

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم ماده سیم بترتیب ذیل نوشته شود:

برای اینکه سرمایه ابتدائی جهت شروع بکار های

بانک تهیه شود دولت مجاز است مبلغی که بیش از پنج میلیون نباشد از اضافه عایدات سنوات ۱۳۰۴ و ۱۳۰۵ و ۱۳۰۶ بپردازد

مدرس - این پانزده میلیون سرمایه بانک را که باید دولت تدارک کند، این مذاکرات هم که در ودایع و اینها میشود یک الفاظی است که معنیاش تطبیق نمیشود با اضافه عایدات. اضافه عایدات یعنی چه؟ یعنی در سنه ۱۳۰۴ یک بودجه آوردند یک مخارج و یک عایداتی بر آورد کردند بر طبق آن عایداتی که بر آورد کردند یک قدری اضافه شده و همچنین این سالی که تویش هستیم و سالی که بعد میآید سال بعد را که آقایان میگویند یک اضافه ای دارد هنوز که سال بعد نیامده اگر هم اضافه ای باشد یک مخارجی دارد ما از این اضافه عایدات اینطور استنباط میکنیم که یک قدری از آن عایداتی که پیش بینی شده بوده است در این دو سال علاوه شده و همین احتمال را هم برای سال بعد میدهند مقصود ما این است که با این علاوه واقعیت دارد یا نه اگر واقعیت دارد جزو این سرمایه منظور شود و اگر واقعیت ندارد که هیچ. حالا اینکه آقایان راجع با اضافه عایدات نوشته اند نسبت بسالهای گذشته این احتمال را دارد ولی نسبت بسالهایی که بعد بیاید در محل خودش مخارجی هم دارد این را بنده تصدیق ندارم و با این لفظ اضافه نمیشود. ظاهر اضافه عایدات این است که از آن عایداتی که پیش بینی کرده اند اضافه بیاید اگر اینطور است عاقبت هم که باید سرمایه این بانک را ملت بدهد اگر اضافه هست بگذارند جزو سرمایه بانک، اگر هم نیست که هیچ. بنده از اینجهت این پیشنهاد را کردم و توضیحات آقایان را هم قبول ندارم

وزیر مالیه - بنده تصور میکنم حضرت آقای مدرس هم بنده سه درست توجه نکرده اند برای اینکه اگر در ماده سه دقت کنند دو قسمت دارد از هم جدا قسمت اول راجع بوجوه ودایع است یعنی مبلغی که

بیش از پنج میلیون تومان نباشد دولت بعنوان مساعده بانك پسرزاد اضافه عایدات سنوآه ۱۳۰۵ و ۱۳۰۶ را از باب تادیه مساعده مزبور محسوب دارد. . . .
مدرس - همین را مخالفم

وزیر مالیه - ملاحظه فرمائید اصل مطالب و مقصود چیست. اگر آقین درست مقصود را ملتفت بشوند آنوقت خرج و تعدیل و اصلاح اشکالی ندارد. اینجاء وقتی که مطرح شد بواسطه يك تبصره با پیشنهادی که قبل توجه شد با آقای مخبر تقاضای ارجاع بکمیسیون کردند رفت بکمیسیون اگر اشکال و نظریاتی داشتند تصدیق می فرمایند راه کار کردن سریع پارلمانی این است که بروند بکمیسیون و در کمیسیون مذاکره کنند و اصلاح کنند. این کار را که نمی کنند آنوقت هر دفعه يك چیز تازه ای پیدا میشود و يك توضیحات جدیدی میدهند. ملاحظه فرمائید اولاً ما دو جور میتوانیم اضافه پیدا کنیم: یکی يك عایداتی پیش بینی میشود که در ضمن بودجه ملکیتی میآید ممکن است این عایدات علاوه بر آنچه که پیش بینی شده بشود چنانچه ممکن هم هست کسر بشود. یکی دیگر اینکه يك مخارجی را ما پیش بینی میکنیم و بتصویب میرسانیم و ممکن است تا آخر سال همه آن مخارج مصوبه بشود و ممکن است بواسطه پیش آمد هائیکه يك قسمتش خرج نشود و ما میتوانیم يك اضافه ای از عایدات پیدا کنیم و يك اضافه ای هم ممکن است از صرفه جوئی پیدا شود. شما يك قانونی دارید (قانون محاسبات عمومی) ترتیب معاملات دولت و مالیه را پیش بینی کرده است من جمله اجازه نمیدهد اضافه عایدات سنه ۱۳۰۴ را مثلاً تا قبل از انقضاء سنه ۱۳۰۵ یعنی سنه بعدش برایش يك مخارجی تصویب میشود اینرا که اجازه نمیدهد از تقصه نظر جریانهائی است که در کارهای مالی باید برای ملکیت پیش بینی کرده و همینطور مقررات دیگری در آن قانون هست حالا ما میخواهیم در این ماده بموجب این قانون يك کاری بکنیم که برای این بانگی که میخواهیم تاسیس کنیم يك پولی پیدا کنیم. آیا برای پیدا کردن

این پول محتاج است که ما خودمان را بيك زحمات و اشکالات اساسی دیگری بیندازیم؟ مگر غیر از این است که يك پولی که اضافه میآید این پول پرداخته شود بانك، این چه تفاوت دارد اگر صورت این باشد که ما در آخر ماده پیش بینی کرده ایم با يك صورت دیگری؟ ما در اینجا نوشته ایم مبلغی که در این چند ساله از مخارجمان کسر شده با اضافه است پیدا کرده ایم برای سرمایه مقدمانی بانك بعد زحمی عوائد حساب بانك را تعدیل کنیم برای اینکه مطابق قانون محاسبات عمومی عمل کرده باشم و قبل از سال فلان بکسال بعد یا دو سال بعد این وجود را مطلقاً خرج نکرده باشیم، اینها يك چیزهای عملی است آقای مدرس نظری که دارند این است ما می فهمیم مقصود آقا چیست در اصل اضافه عایدات حرف دارند (بنده این را شنیده ام) میگویند شما يك مخارج زیاد تر از پیش بینی میکنید و کمتر خرج میکنید بعد میگویند اینرا ما اضافه عایدات داریم. صرفه جوئی کرده ایم پس اضافه عایدات اصلاً موجود نیست. این مطالب يك مسئله است که آقا امروز میتوانید راجع بسنه ۳۳ و ۳۴ تحقیق فرمائید يك ارقام صحیحی هم خدمتان بدهند تا آن اندازه ای که روشن و معلوم است ببینید این اضافه عایدات بوده یا نبوده بر فرض اینکه بنده عرض کنم بوده با فرضاً که نبوده این یکی از اصول پارلمانی و قانون گذاری است که همیشه باید اضافه عایدات را تصور کرد که ممکن است پیدا بشود. گناهی نیست که گفته بشود اگر اضافه عایدی پیدا شد و بعد هم اگر پیدا نشد کسی مأخوذ نیست در این مطلب پس مقصود آقا بان ترتیب که در ماده نوشته عیناً حاصل است با این تفاوت که در نظر جریان امور اداری و تطبیقش با قانون این بهتر از آن ترتیبی است که آقا میفرمایند بنده نمیدانم چه لزومی دارد اینرا بهم برنیم و یک چیز دیگری بخواهیم بجایش بگذاریم شیروانی - بکمر تبه دیگر قرائت شود.
(پیشنهاد آقای مدرس شرح گذشته خوانده شد)

رئیس - رای گرفته میشود بقبول توجه بودن پیشنهاد آقای مدرس. آقایانیکه قبل توجه عیدانند قیام فرمایند (عده ای قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب (شرح ذیل قرائت شد)
پیشنهاد میکنم ماده سوه این نوع اصلاح شود: برای شروع با افتتاح بانك ملی ایران دولت مکلف است کلیه وجود موجود خود را سرمایه بانك قرار داده غیر از وجود انحصار قندو چای
آقا سید یعقوب - اصل بیانات آقای شیروانی حقیقه صحیح بود و مطالعه کرده بود و ذهن ما را توجه باین ماده داد این ماده يك عباراتی درش نوشته شده که خدا شاهد است با اینکه آقای فهمی دوساعت بین کردند و آقای وزیر مالیه هم بیان کردند هیچ رفع سوء ظن ما نشد. آقا يك کلمه ما بیشتر حرف نداریم پول دارید بکجائی که سرمایه بانك قرار بدهید، قرار بدهید. این پول موجود است؟ اگر پول موجودی دارید بیاورید بانك تشکیل بدهید غیر از این ما چیزی نمیگوئیم. ودایع، مساعده، قرض يك عباراتی که حالا بنده چیزی نفهمیدم بعد هم که میرند در مالیه يك نظامنامه باین عبارات پیچ در پیچی برایش مینویسند آنوقت درست بعینه بانك رهنی میشود. همه دیدید که همچو بانك رهنی باین سادگی و قانون باین صریحی و واضح الدلاله را چه جور توضیح کردند و نظامنامه نوشته اند که تمام آن منافع برین رفت. حالا ما میخواهیم بانك ملی تشکیل بدهیم، آقای میرزا حسنخان وثوق آقابان دیگر همه بودند اول مشروطیت میخواستیم بانك ملی تاسیس کنیم آقابان همه شاهدند که ما طلبه ها هم کتابها مان را فروختیم که سرمایه بانك ملی قرار بدهیم که مالیات وارد آنجا بشود مخارج ملکیتی هم از آنجا خارج شود. این دیگر مساعده و این چیزها را لازم ندارد پول دارید یا ندارید؟ این دو کلمه است بنده عرض میکنم

حالا که بواسطه حسن انتظام مالیه يك وجوهی پیدا شده است این وجود موجود را که دولت دارد از سنه ۳۰۳ و ۳۰۴ و ۳۰۵ این وجود را میخواهیم پنج میلیون هم نمیگوئیم، میگوئیم این وجود موجود را سرمایه بانك قرار بدهید بعد هم همه عایدات وارد آن بانك بشود و همه مخارج از آنجا خارج شود این دیگر این عبرتها را میخواهد این بود که بنده برای اینکه سهیل و آسان باشد این پیشنهاد را کرده
مخبر - حالا بنده استدعا میکنم از آقای آقا سید یعقوب که بعراض بنده توجه فرمایند مطالب را روشن میکنم. در سنه ۱۳۰۴ بودجه آمد مجلس بیست و پنج یا بیست و چهار میلیون عایدات بود بیست و پنج یا بیست و چهار میلیون هم مخارج در مقابل تصویب شد مطابق قانون محاسبات عمومی يك سنه مالیه ای داریم و یکدوره عمل سنه مالیه عبارت است از اول فروردین تا آخر اسفند همین سال و دوره عمل عبارت است از اول فروردین بکسال تا آخر اسفند سال بعد. چرا؟ برای اینکه تمام عوائد پیش بینی شده و تمام مخارج مصوبه در عرض دوازده ماه نه وصول میشود نه پرداخته میشود. قانون اجازه داده که بودجه يك سنه مالیه را تا سه ماه بعد از ختم سال میتوانند تشخیص بدهند و حواله آنها را صادر کنند و تا آخر سال بعد میتوانند حوالجات را بپردازند در اواخر سال بعد میبایستی آن بودجه را کاملاً به بندند یعنی مخارج و عوائد را هر چه موقعیت پیدا کرده است باید به بندند و آنچه مخارج نشده است یا از عوائد باقی است باید بودجه سال سوم برگردانند یعنی تا وقتی که سال دوم دوره عمل ختم نشده است و محاسبات مالیه بسته نشده است هیچ نمیتوان معین کرد که از باب بودجه بکسال قبل ما اضافه عایدی داریم یا کسر مخارج و در عرض این مدت دو سال يك عوایدی را دولت وصول میکند و در يك محلی بعنوان ودیعه میگذارد تا وقتی که موقع خرج آن برسد و حواله آن صادر بشود. در عرض

این مدت این پول ودیعه دولت است هر وقت میپرسند میگویند فلان مبلغ داریم اما این مبلغ بدمصرف نیست. فرمودند پول داریم؟ عرض میکنم بلی داریم ولی مطابق تصویب مجلس مصرف هم برایش هست اما وقتی که محروم شدیم از اینکه دیگر مصرف برسانیم آنوقت میگوئیم که این وجه متعلق بنا است و میتوانیم بفصلان مصرف برسانیم. حالا در این مدت يك بانگی می خواهیم تأسیس کنیم و میخواهیم تکلی بکنیم بیانک تا وقتی که سرمایه اختصاصی بخودش برسد. حالا میگوئیم تا وقتی که این وجوه مورد استعمال پیدا کنند دولت اجازه داشته باشد که اینها را بدهد بیانک ولی مصرف اینها در جای خودش هست مجلس تصویب کرده و باید بمصرف خودش برسد بنا براین میگوئیم این وجوه را دولت میتواند بیانک قرض بدهد تا از محل دیگری که بلاعوض بیانک میخواهند بدهند برسد و بانک بتواند قرض خودش را ادا کند در شور اول هم بهمین ملاحظه آقایان تصور میفرمودند که وجوه اضافه در بودجه هست ولی تصور نفرمودند که این وجوه مصرف دارد و هنوز مدت مصرفش نرسیده باین جهت ما پیش بینی کرده ایم که اگر دوره عمل ختم شد و حساب را بستند و اضافه عایداتی پیدا شد که بلا محل و بلا مصرف ماند آن وقت این وجوه را بابت آن بده بانک حساب کنند البته حساب سنه ۱۳۰۴ در آخر ۱۳۰۵ معین خواهد شد و ۱۳۰۵ در آخر ۱۳۰۷ و مال ۱۳۰۶ در آخر ۱۳۰۸ معین خواهد شد که اضافه عایدات دارد باندارد اگر از این محلها اضافه پیدا شد در مقابل قرض بانک حساب میشود و اگر نشد از ۱۳۰۷ بعد يك محل دیگر هم پیش بینی کرده ایم که از اصل بودجه مملکتی يك مبلغی یعنی سالی بانصد هزار تومان بیانک بدهند تا وقتی که این سرمایه معین بشود. پس ما از بودجه جاری دولت يك مبلغی برای سرمایه بانک قرض میدهیم تا وقتی که از محل دیگر برسد یا عایدات پیدا کند و قرض خودش را ادا کند در این صورت اگر قدری دقت بفرمائید عرایض بنده را شاید خوب ملتفت شده باشید و بدانید ما در بطور صحیح تنظیم شده است

رئیس -- رای میگیریم. آقایانی که پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (معدودی برخاستند)

رئیس -- قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای بیات (بشرح آتی خوانده شد)

ماده سیم را بشرح ذیل پیشنهاد مینماید

ماده ۳ -- برای اینکه سرمایه ابتدائی جهت شروع بکارهای بانک تهیه شود دولت مجاز است مبلغی که بیش از پنج ملیون تومان نباشد از ودایع خود باستثناء وجوه انحصار قند و چای بیانک بردارد و اضافه عایدات و صرفه جوئی های بودجه مملکتی ۱۳۰۴ و ۱۳۰۵ و ۱۳۰۶ را از بابت آن مبلغ محسوب و بقیه آنرا در بودجه ۱۳۰۷ به بعد مبلغی که بیش از سالی بانصد هزار تومان نباشد در جزء مخارج مملکتی منظور نماید

مرتضی قلیخان بیات -- اینجا در این ماده که نوشته شده بعضی عبارات دارد که البته يك اندازه شاید اسباب سوء ظن باشد و بعضی از آقایان هم که اشکال می کنند برای این عباراتی است که هست. عنوان مساعده و بعضی کلمات دیگر در آن شور اول هم که پیشنهاد شد اینجا دو نظر گرفته شده یکی اینکه ما تقسیم صرفه جوئی و اضافه عایداتیکه در این سه سال است این را سرمایه بانک قرار بدهند همه آقایان هم باین نظر موافق هستند که اضافه عایداتیکه در این سه سال هست این را سرمایه بانک قرار بدهند. همه آقایانهم باین نظر موافق هستند که اضافه عایدات این سه ساله سرمایه بانک بشود ولی چون نمیدانیم که این مبلغ که صرفه جوئی این سه ساله باشد پنج ملیون خواهد بود یا نه این بود که يك مبلغی بر آن مزید کردیم که اگر صرفه جوئی و اضافه عایدات این سه سال پنج ملیون تومان نباشد هر چه از پنج ملیون باقی ماند در بودجه ۱۳۰۷ به بعد در هر سالی بانصد هزار تومان

در بودجه مملکتی منظور نمایند اما عبارت ماده که از طرف کمیسیون نوشته اند درست این نظریه را نمبرساند بنده این نظریه را باین ترتیب پیشنهاد کردم که امروز از طرف دولت پنج ملیون بیانک سرمایه داده شود آنوقت هر چه از بابت اضافه عایدات و صرفه جوئی این سه سال شد بر گردد و هر چه باقی ماند از سنه ۱۳۰۷ به بعد در بودجه منظور شود و گمان میکنم نظر کمیسیون هم همین باشد و نظر مجلس هم همین باشد اشکالاتی هم نداشته باشد و رفع محذور بشود.

مخبر -- يك مرتبه دیگر قرائت بشود

(مجدداً بشرح ذیل قرائت شد)

ماده سیم را بشرح ذیل پیشنهاد مینماید

ماده ۳ -- برای اینکه سرمایه ابتدائی جهت شروع بکارهای بانک تهیه شود دولت مجاز است مبلغی که بیش از پنج ملیون تومان نباشد از ودایع خود باستثنای وجوه انحصار قند و چای بیانک بردارد

بیات -- (عنوان سرمایه اش) اینجا افتاده است. بعنوان سرمایه بیانک بردارد (بقیه پیشنهاد بمضمون ذیل خوانده شد)

عنوان سرمایه بیانک بردارد و اضافه عایدات و صرفه جوئیهای بودجه مملکتی ۱۳۰۴ و ۱۳۰۵ و ۱۳۰۶ را از بابت آن مبلغ محسوب و بقیه آنرا در بودجه ۱۳۰۷ ببعده مبلغی که بیش از سالی بانصد هزار تومان نباشد در جزء مخارج مملکتی منظور نماید.

مخبر -- این ماده را که عین همان ماده پیشنهادی کمیسیون است بنده قبول میکنم فقط باید نوشته شود «در بودجه ۱۳۰۷ و سنوات بعد»

رئیس -- کمیسیون قبول میکنند؟

مخبر -- بل

رئیس -- آقای شیروانی، این پیشنهاد آقای بیات منظور جنابعالی را تأمین میکنند یا پیشنهادتان

خوانده شود

شیروانی -- مقصود بنده هم همین بود.

رئیس -- پیشنهاد آقای افشار.

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۳ -- برای اینکه سرمایه ابتدائی جهت شروع بکارهای بانک تهیه شود دولت مکلف است اضافه عایدات سنوات ۱۳۰۴ و ۱۳۰۵ و ۱۳۰۶ را بیانک مزبور برداخته و از ۱۳۰۷ نیز مبلغ بانصد هزار تومان در بودجه کل مملکتی بعنوان سرمایه بانک تا موقعی که میزان سرمایه بالغ بر پنج ملیون تومان شود پیش بینی نماید.

افشار -- عرض کنم اگر آقایان مقدمه قانون را ملاحظه فرموده بودند همینطور خود آقای مخبر تصدیق میفرمودند که بموجب بیانات رئیس کل مالیه در بودجه ۱۳۰۴ و ۱۳۰۵ اضافه عایداتی نیست. وقتی که در بودجه ۱۳۰۴ اضافه عایداتی نیست چطور تخصیص میدهند برای سرمایه مقدماتی این بانک، وقتی که ما این مبلغ را نداشته باشیم چیزی نداریم که برای سرمایه بانک اختصاص بدهیم، فروش خالصجات و جواهرات هم هنوز تکلیفش از طرف مجلس معین نشده و بعلاوه دولت هم در ماده مجاز است که از بابت پول ودایع این مبلغ را بعنوان مساعده بیانک بردارد کله «مجاز» هم دولت را ملزم نمیکند، ممکن است این کار را بکنند ممکن است نکنند پس در این صورت دولت را مخیر مینماید بنده پیشنهاد کردم که دولت مکلف و مقید باشد که اگر اضافه عایداتی درین سنوات پیدا کرد تخصیص بدهد سرمایه بانک و هر چه کمتر باشد از سنه ۱۳۰۷ در بودجه مملکتی پیش بینی بکنند و بیانک بردارند

رئیس -- عقیده کمیسیون چیست؟

مخبر -- آن قسمتی را که آقا فرمودند در ۱۳۰۴

هنوز اضافه نیست بجهت اینکه هنوز بودجه امسال بانتها نرسیده است عرض کردم باید در آخر ۱۳۰۵ بودجه آن سال را ببندند. از این جهت فعلاً معلوم نیست که اضافه عایداتی هست یا نه بالاخره پیشنهاد اولی که شد جامع تمام نظریات آقایان و حتی نظر آقا هم بود.

رئیس -- رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای افشار آقایی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده کمی برخاستند)

رئیس -- قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای احتشامزاده باید تکلیفش معلوم شود

(بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم تبصره ذیل بماده سه الحاق شود تبصره -- دولت مکلف است پس از یکسال از تاریخ تاسیس بانک کلیه وجوه و دایع خود را از بانکهای دیگر بپانک ملی منتقل نماید.

مخبر -- بنده تصور میکنم اول رأی بماده گرفته شود این تبصره را اگر آقایان در نظر دارند در آخر بعنوان ماده الحاقیه پیشنهاد کنند مناسبتر است در اینجا مناسبت ندارد مطلب ماده چیز دیگر است.

احتشامزاده -- بماند بعنوان ماده الحاقیه.

رئیس -- میباید برای بعد. پیشنهاد آقای فیروزآبادی (بشرح ذیل خوانده شد)

بنده بعنوان تبصره اضافی این پیشنهاد را میکنم که این بانک مکلف است در هر سال همچنانکه صورت عملیات خودش را بوزارت مالیه میدهد یکصورت هم بمجلس مستقیماً بدهد.

فیروزآبادی -- عرض میکنم بنده سایر موادش را ملتفت نشدم اگر این قید باشد بنده پس میگیرم و اگر نباشد این را لازم میدانم و در آن لایحه بانک رهنی هم

که در مجلس مطرح شد بنده همین پیشنهاد را کردم و آقایان خندیدند ولی بنده دست از عقیده خود برنمیدارم و دومرتبه این پیشنهاد را کردم که چنانچه انشاء الله این بانک تاسیس شد مکلف است همچنانکه صورت محاسبات و عملیات خودش را بمالیه بدهد بمجلس هم بدهد حالا شاید بعضی ها بفرمایند بمالیه که داد بمجلس هم می آید در جواب عرض میکنم چه بسا حسابها که در مالیه هست مثل خود بودجه مملکتی که بمجلس نیامده این بود که بنده این پیشنهاد را کردم.

رئیس -- آقای مخبر چه میفرمائید؟

مخبر -- در ماده هشت ذکر شده است دیگر بنده چه عرض کنم فیروزآبادی -- اگر قید شده بنده عرضی ندارم ولی اگر نشده است باید ذکر شود.

رئیس -- بسیار خوب بماده هشت که رسیدیم اگر نقضی داشت در آنجا تذکر بدهید. ماده سوم از روی پیشنهاد آقای بیات است یکبار دیگر قرائت میشود رأی می گیریم.

(مجدداً بشرح سابق خوانده شد)

رئیس -- رأی گرفته میشود بماده سوم آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس -- تصویب شد. پیشنهاد آقای شریعت زاده

(بمضمون ذیل خوانده شد)

تبصره -- پس از تصویب قانون فروش خالصجات و جواهرات و فراهم شدن کل سرمایه اصلی بانک مبلغ پنج میلیون مزبور قابل استرداد نبوده و باید بر سرمایه بانک افزوده شود.

رئیس -- بفرمائید

شریعت زاده -- بنده تصور میکنم پیشنهاد بیکه کرده ام

خیلی صریح باشد مطابق این ماده دولت قبل از فروش خالصجات و جواهرات مکلفست پنج میلیون تومان از صرفه جوئیهای ۱۳۰۴ و ۱۳۰۵ و ۱۳۰۶ و همچنین سالی بافصد هزار تومان در بودجه مملکتی در سنوات بعد پیش بینی کرده بپانک بپردازد البته باید تصور کرد بعد از اینکه سرمایه اصلی بانک معین شد با این پنج میلیون چه معامله خواهد شد. آیا دولت مجاز خواهد بود که این مبلغ را استرداد بکند یا خیر باید بر سرمایه بانک اضافه بکند؟ بنظر بنده بانک ملی ایران هرچه سرمایه اش بیشتر باشد بهتر است و باین مناسبت بنده این تبصره را پیشنهاد کردم که بعد از پرداخت سرمایه اصلی بانک این پول را دولت نمیتواند استرداد بکند و باید اضافه شود بر سرمایه اصلی بانک که بشود بیست میلیون

وزیر مالیه -- یکدفعه دیگر قرائت بفرمایند (مجدداً قرائت شد)

مخبر -- عرض میکنم که مقصود آقادر خود ماده نامین شده زیرا در يك ماده پانزده میلیون برای سرمایه اصلی بانک معین شده و پنج میلیون هم برای سرمایه ابتدائی و مقید کرده اند که از چه محلها باید این پنج میلیون پرداخته شود در صورتیکه اگر بنا بود جزء آن پانزده میلیون باشد قید میشد که هر وقت آن پانزده میلیون وصول شد این پنج میلیون را برگردانند بخزانة

رئیس -- رأی گرفته میشود باین پیشنهاد آقایانیکه قابل توجهش میدانند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس -- قابل توجه نشد. ماده شش از خبر نمره هفت

کیسیون ۲۴ آذرماه قرائت میشود

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۶ -- بانک ملی از قرض یا مساعده دادن بدولت

بوزارنخانهها و بناادارات و دوائر دولتی و بلدی بدون تصویب

مجلس شورای ملی ممنوع خواهد بود

رئیس -- آقای ارباب کیخسرو.

ارباب کیخسرو -- البته این نظری را که گرفته اند از روی تجربیات گذشته است نسبت بمعاملات ولی بدیهی است اگر بخوایم گذشته ها را دلیل قرار دهیم خیلی کارهایی ما معطل خواهد ماند. دولت باید توجه بکند که اعتبار خودش را از همه جا حفظ کند نمیتواند داخل در تمام جریانها باشد. اینجا در یکی از مواد فوق ذکر شده است هر کسی که معتبر باشد میتواند امضا کند و پول بگیرد اینجا چه میخواهد بگوید؟ میخواهد بگوید دولت معتبر نیست؟ میخواهد بگوید بلدیة محل که قانون آن از مجلس بگذرد و بلدیة قانونی شود معتبر نیست؟ بعلاوه يك بانک دولتی تشکیل بشود و آوقت دولت حساب جاری و سایر حسابهایش با بانکهای دیگر باشد و استفاده اش را بانکهای دیگر بکنند چه معنی دارد؟ خصوصاً حالا که اینجا يك عبارت دیگری هم نوشته شده است که آقای کازرونی در ضمن ماده پیش تذکر دادند و آن کله مساعده است بنده نمیدانم (مساعده) را در تحت چه عنوانی اینجا نوشته اند؟ وقتی که بانک از دادن قرض و مساعده ممنوع باشد دیگر موضوعی ندارد اگر (مساعده) معنای دیگری دارد توضیح بدهند و اگر ندارد نوشتن در اینجا چه فائده دارد؟ از همه گذشته کله (قرض) را که اینجا نوشته اند. حالا فرضاً نظر امروزه این باشد اما بنده نمیدانم فقط قرض دادن بدولت و بلدیة ممنوع است یا از داشتن حساب جاری هم در حدود اعتباری که در آنجا خواهند داشت ممنوع خواهد بود؟ بنده تصور میکنم اقللاً راه نامین این قسمت را باز بگذارند که در حدودی که دولت پول دارد و میتواند در آنجا بگذارد حق حساب جاری داشته باشد. حالا بنده نمیدانم ماده نسبت باین قسمت دست را میبندد یا خیر؟ در هر صورت مقصود این است که وجود دولت جای دیگر نباشد و نباید به این بانک و حساب جاریش هم بسا همین بانک باشد بلدیة هم همینطور منتهی میخواهند قسمت

قرض را بتصویب مجلس بگذارند آن قسمت های دیگر ماده باقی بماند.

مخبر - عرض میشود غرض از این ماده این نبوده است که يك عدم اعتباری خواسته اند نسبت بدولت بروز بدهند. بلکه مقصود این است که بطوریکه در ماده پنج که بعد انشاء الله تصویب خواهد شد بیانک اجازه داده شده که باشخاص دیگر قرض بدهد ولی در مقابل رهن یا وثیقه اموال منقول یا غیر منقول یا ضمانت اشخاص معتبر و البته در موقع معامله و قرض دادن بدولت هیچیک از این مسائل نمیتواند مورد پیدا کند که مثلاً فلان وزارت خانه بخواهد از دولت قرض کند محلی یا جواهری گرو بدهد و پول قرض کند یا اینکه بضاعت يك تاجر معتبری پول بگیرد. بنا بر این ادارات دولتی را باعتبار حقوقشان باید گذاشت و این بانک هم بانک تجارتي عمومی نیست که خودش با هر کس بخواهد معامله کند این وجهی است متعلق بدولت و مخارجی که از آن میشود باید به تصویب مجلس باشد. قرض یا مساعده غیر از حساب جاریست هر اداره یا وزارتخانه می تواند حساب جاری خودش را با بانک دائر کند پول بسپارد یا حواله بدهد و پول بگیرد قرض یا مساعده وجوهی است که علاوه بر آن وجوه مخصوصه که هر اداره بیانک سپرده است بخواهد از آنجا قرض بکند. قرض يك فعل کلی است. بکمرته قرض میکنند و يك اعتباری یا بانک بازمی کنند و مساعده میکنند. مساعده ممکن است مبلغ کمتری باشد که بعنوان وجه پیشکی از بابت وجوهی که در آتیه باید دریافت شود گرفته میشود این قبیل معاملات را بانک با ادارات دولتی و بلدی و اجتماعی هر چه هست باید با تصویب مجلس بکنند اگر مجلس اجازه ندهد هرگونه معامله یعنی دادن يك وجوه گزافی بانها بیش از اعتباری که دارند ممنوع است لیکن حساب جاری که دارند و وجوهی که سپرده اند بیانک و متدرجاً حواله میدهند ابتدا ممنوع نشده است بانک میتواند با همه

رئیس - آقای عدل

عدل - عرضی ندارم

رئیس - آقای بیات

بیات - بنده هم عرضی ندارم

رئیس - کسی مخالف نیست؟

شیروانی - بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید

شیروانی - اساساً دولت مطابق قانون اساسی باید

هر قرضی میخواهد بکنند بیاورد بتصویب مجلس برساند و البته بدون تصویب مجلس شورای ملی دولت نمیتواند قرض بکند حالا اینجا توضیح واضحی شده است اما قسمت مساعده بنده اینجا تردید دارم که اگر ما این کلمه را اینجا بگذاریم و بدولت اجازه ندهیم که این معامله جاری که حالا بابانگهای دیگری دارد میکند حق داشته باشد با بانک داخلی خودمان بکند و این راه را به بندهم بروی دولت آبا این سبب نخواهد شد که دولت برای اینکارها مجبور شود بیانگهای دیگری دست دراز کند؟ این است که اگر آن توضیح واضح را آقایان موافق باشند که باید نوشته شود یعنی هر وقت دولت بخواهد قرض کند بیاورد بتصویب مجلس برساند بنده عرضی ندارم ولی کلمه مساعده را بنده عقیده ندارم و گمان میکنم صلاح نباشد و دولت مجبور شود مساعده و محاسبه بابانگهای دیگر پیدا کند.

مخبر - اگر لفظ (مساعده) را برداریم و (قرض) را بگذاریم تصور نمیفرمایند که یواش یواش بهمان عنوان مساعده قرض کنند؟ یعنی وجهی بخواهند بعنوان مساعده امروز بگیرند که بعد از بابت حساب جاری حساب کنند؟ اصلاً عنوان قرض و مساعده هر دو را باید در يك ردیف حساب کرد و بدون تصویب مجلس اجازه نداد.

رئیس - پیشنهاد هائی که رسیده است قرائت میشود

(بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای یاسائی

بنده پیشنهاد میکنم ماده ۶ بنحو ذیل اصلاح شود: ماده ۶ - بانک ملی از قرض دادن بدولت یا وزارتخانهها یا ادارات و دوائر دولتی و بلدی بدون تصویب مجلس شورای ملی ممنوع خواهد بود

رئیس - بفرمائید

یاسائی - مقصود بنده از این پیشنهاد حذف کلمه مساعده بود و با توضیحاتی که بعضی از آقایان دادند دیگر لازم نیست بنده توضیح زیادی عرض کنم ولی همین قدر عرض میکنم که نباید يك مشکلاتی برای بعضی از دوائر مخصوصاً بلدیها، بموجب این ماده درست کرد. مثلاً در اصفهان بلدیها تاسیس میشود و باعتبار عوائد خودش میخواهد يك مساعده از شعبه بانک که در آنجا است بگیرد و ما بیائیم جلوگیری کنیم در صورتیکه لزومی ندارد. در قانون اساسی قید شده است که دولت اگر بخواهد قرض بکند باید بیاید از مجلس اجازه بگیرد. ولی کلمه مساعده در قانون اساسی نیست و آقایان در لایحه دولت اضافه کرده اند مقصود بنده این است که کلمه مساعده حذف شود و نوشته شود حقوق و قرض وزارتخانهها و دوائر دولتی و بلدی بدون تصویب مجلس نباشد.

مخبر - مقصود دولت و کمیسیون هم همین بود و برای

همین توضیحی بود که آقای یاسائی دادند باین معنی که فلان بلدیها باعتبار عایدات خودش نباید يك مساعده بگیرد و آنوقت خرده خرده این مساعده ها زیاد بشود و بالاخره پس هم ندهند این است که در اینجا قید شده است که هم مساعده و هم قرض را باید بتصویب مجلس بگیرند.

شیروانی - بنده هم نظیر این پیشنهاد را کرده ام

اجازه میفرمائید توضیح بدهم؟

رئیس - توضیح بدهید آنوقت بکدفعه رأی بگیریم.

شیروانی - مساعده اساساً در مقابل يك محل معینی

است یعنی وقتی میتواند يك اداره یا يك تجارتخانه مساعده بگیرد که بتواند محصل ثابت و مسلم عیدی خودش را نشان بدهد و بگیرد. مثلاً بلدیها فلان شهر در سال دوازده هزار تومان عیدی دارد و امثال ششهاز تومان زودتر احتیاج دارد (که مثلاً يك مؤسسه جدیدی را دائر بکنند و میخواهد قبلاً بگیرد) و ضمناً با يك فرع یا يك محل اصاح معینی آن قرض را استهلاك بکنند. این معنی مساعده است. مساعده این نیست که يك پولی را بدون اینکه يك اداره محل داشته باشد بگیرد. بضافه ما نمیخواهیم دولت را مکلف کنیم که از بانک مساعده بگیرد میگوئیم این کلمه حذف شود حالا دولت اگر صلاح بداند مساعده بگیرد مجلس او را مکلف نمیکند که حتماً مساعده از بانک بگیرد. ولی برای اینکه بالتدریج ما مجبور شویم که وضعیتمان با بانکهای خارجی تغییر نکند و این ضرر سیاسی و اقتصادی هر دو خواهد داشت میگوئیم این کلمه را از اینجا حذف بکنند ولی دولت را مکلف نمیکنیم که حتماً بروند مساعده بگیرند خیر نروند ولی قرض باید با اجازه مجلس باشد

رئیس - آقای فرمند: عضو کمیسیون هستید؟

فرمند - خیر عضو کمیسیون نیستم

وزیر مالیه - بنده در قسمت دولت بین قرض و

(گفتند خیر)

رئیس - آقایانیکه مرخصی بکماهی آقای آقا سید حسن علوی را از اول ماه رمضان تصویب میکنند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. پیشنهادات راجع بماده شش قرائت میشود

(بشرح آتی خوانده شد)

پیشنهاد آقای محمد ولی میرزا:

در ماده شش پیشنهاد میدارم بانگ ملی قرض و مساعدت میتواند بدوائر و ادارات دولتی و بلدی بدهد مشروط بر آنکه در سنه مالی میزانی را برسم اجازه کلی منظور دارد

رئیس - بفرمائید

محمد ولی میرزا - در اطراف این موضوع که آیا

بانگ ملی میتواند یا اگر اساساً هم بتواند مصلحت است که قرض و مساعدت با ادارات دولتی و بلدی بدهد خیلی مذاکرات شده و بنده نمیخواهم داخل اصل موضوع بشوم ولی بطور کلی باید تصدیق کرد که البته نمیتوان ممنوع کرد که بانگ ملی پس از اینکه این قانون وضع شد و تأسیس شد بانگ مساعدت و قروضی به ادارات دولتی و بلدی ندهد. زیرا اگر ما ممنوع بداریم آن استفاده که بطور کلی از بانگ منظور است نخواهیم کرد ولی از طرفی هم بنده معتقد نیستم که به بانگ دولتی اجازه داده شود که به اراده خودش و بدون اینکه مجلس شورای ملی قبلاً یا بعداً مستحضر باشد بانگ معاملاتی با ادارات دولتی بکنند این است که بنظر بنده همین طوری که در پیشنهاد هم عرض کرده ام در سنه بودجه در سنه مالی بانگ دولتی نظر باوضاع داخلی خودش بانگ مبلغی را پیش بینی کند که در حدود این مبلغ بتواند معاملات و حساب جاری بعنوان قرض و مساعدت در تحت شرایط معینی ببلدیه و ادارات دولتی

باز کند و به عقیده بنده خیلی لازم است که در بانگ آنیه نزدیکی یعنی وقتی که بانگ تأسیس و دائر شد بانگ نظامنامه مخصوصاً برای معاملات با دوائر دولتی تدوین شود و به تصویب کمیسیون قوانین مالیه مجلس برسد و از این نقطه نظر است که بنده این پیشنهاد را کرده

رئیس - آقای مخبر

مخبر - بسته بنظر مجلس است

رئیس - رای گرفته میشود بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند (معدودی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. پیشنهاد آقای شریعت زاده.

(اینطور خوانده شد)

اصلاح ماده ۶ - بانگ ملی میتواند در حدود ماده اول این قانون با دولت یا مؤسسات بلدی ملکات معاملات استقراضی بنماید مشروط بر اینکه مجموع معاملات بیش از صدی بیست از کل سرمایه بانگ نباشد.

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - بنده چون در موقع مباحثه در ماده وقت بدستم نیامد که دلالتی که دارم عرض کنم حالا عرض میکنم اصلاً بموجب ماده اول این قانون بانگ برای اجرای بانگ مقاصدی تأسیس شده است یعنی برای توسعه امور فلاحت و زراعت و تجارت و صناعت و اگر بنا باشد مؤسسات دولتی و ملی از قبیل بلدیه ها که صلاحیت دارند و شخصیت قانونی دارند و میتوانند طرف معاملات واقع شوند راجع بموضوعات مقرر در ماده اول (یعنی ترویج صناعت و فلاحت و تجارت) محروم باشند هیچ دلیلی ندارد که این حق از آنها سلب شود بلکه نقطه نظر این است که بانگ معاملاتی با آنها بشود که اسباب آسایش عمومی را تأمین کند بنا بر این اگر بانگ مؤسسه بلدی برای شروع با امر مفید و اصلاحی

که ضروری بداند اعتبار بودجه خودش که مطابق مصوبت مجلس تصویب خواهد شد بخواهد بانگ معاملت بکنند بطوریکه مثل سایر افراد و مسائل همین را فراهم کنند هیچ دلیل و موجبی ندارد که ما آنها را محروم کنیم از این نقطه نظر بنده این پیشنهاد را کرده و تصور میکنم مؤسسات دولتی در صورتی که مطابق اصول و موازینی بخواهند بانگ کارهایی بکنند بهتر این است که این اجازه داده شود مخصوصاً به بلدیه ها که خیلی اهمیت دارد و بنده میدانم که همین بلدیه فعلی طهران غالباً مبلغی از مؤسسات خارجی قرض کرده و پرداخته و بخواهد برای مجلس برای بلدیه ها معین کرده و باید از روی آن زندگی شهر را از حیث آسایش عمومی تأمین کنند بهترین وسیله همین خود بود که در داخل ملکات بتوانند از این مؤسسه ها استفاده کنند بهمان شرایطی که افراد میتوانند از آن استفاده کنند و برای اینکه آقایان هم موافقت بفرمایند بنده صدی بیست را بصدی ده نازل میدهم

وزیر مالیه - در موضوع بلدیه ها همانطوریکه قبلاً عرض کردم بانگ نظر مخالفی نیست حتی خارج از این حدود هم اگر بخواهند با بلدیه ها بانگ ها بکنند و بانگ را مخیر کنند که همانطور که با اشخاص معامله میکنند با بلدیه ها هم مطابق شرایط مقرر در ماده معامله کنند هیچ مضایقه نیست زیرا با بلدیه ها شخصیت و حیثیت قانونی دارند و شخصیت قانونی متفرغ بر مالکیت و معامله هم میشود فقط تذکری که لازم بود خدمت آقایان عرض کنم این است که این بانگ بیشتر برای کارهای فلاحی و اقتصادی و تجاری است و بیشتر باید بکارهای عم المنفعه برسد و اگر بنا باشد هر روزه مؤسسات دولتی و اداری معامله کنند و این راه باز و فتح باب شود و ادارات دولتی بخواهند بعنوان مساعدت پول بگیرند و آخر سال پس بدهند آنوقت آن منظور اساسی که ما داریم حاصل نمیشود و همداش

مساعدت برای معاملات دولتی با این بانگ میسر ندارم توضیحات زیاد بدهم ولی در قسمت بلدیه ها که آقای باستانی تذکر دادند ممکن است اگر آقایان میل داشته باشند و اصرار داشته باشند که بلدیه ها را آزاد بگذارند که بتوانند از محل هایی که دارند یا از مخلفاتی که قانون پیش بینی کرده بخواهند با آنها بانگ مساعدتی کرده باشند و تسهیلی برای آنها کرده باشند که بلدیه ها بتوانند در شهر تصرفاتی بکنند. بنده از نقطه نظر دولت مخالفتی ندارم و بسته است بنظر مجلس ولی قسمت راجع به ادارات دولتی را تقاضا میکنم بهمان صورتی که هست بگذارند باشد. اگر در موقع عمل دیده شد بجز احتیاجی با اصلاح ندارد ممکن است مجدداً اصلاح شود.

رئیس - رای گرفته میشود به پیشنهاد آقای باستانی آقایان موافقت قیام فرمایند.

(عده کمی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. بقیه مذاکرات میباشد برای بعد از تنفس

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - خبر کمیسیون مرخصی قرائت میشود رای میگیریم بعد سایر پیشنهادات های راجع به ماده شش قرائت می شود.

(بشرح ذیل خوانده شد)

آقای آقا سید حسن علوی نماینده محترم سبزوار برای مسافرت از اول رمضان تقاضای بانگ مرخصی نموده اند کمیسیون عرایض و مرخصی بانقضای ایشان موافقت نموده و این بانگ خبراً را بعرض مجلس شورای ملی میرساند

رئیس - آقای افسر

افسر - موافقم

رئیس - مخالفی ندارد ؟

تا میزان صدی سی میتواند مساعده از بانک بخواند و او هم میتواند بدهد و با آقای وزیر مالیه هم که مشورت کردیم ایشان هم قبول کردند

مخبر - با موافقتی که آقای وزیر مالیه با قسمت بلدییه اظهار فرمودند کمیسیون هم قبول میکند در این صورت خوبست آقای شریعت زاده هم با این قسمت موافقت فرمایند که جمع بین هر دو نظر شده باشد یعنی آن قسمتی را که راجع به ادارات دولتی است عجلتاً کتار بگذارند

شریعت زاده - بنده موافقت میکنم

رئیس - ماده ششم بضمیمه تبصره پیشنهادی آقای شیروانی قرائت میشود و رای میگیریم
وزیر مالیه - در تبصره باید بعد از عایدات (سالیانه) اضافه شود

شیروانی - سالیانه را هم اضافه میکنم

مخدولی میرزا - استدعا دارم تجزیه فرمائید

رئیس - رای گرفته میشود بماده ششم آقایانی که

تصویب میکنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . رای گرفته میشود به تبصره بضمیمه (سالیانه) آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند

(عده کثیری برخاستند)

رئیس - تصویب شد رای گرفته میشود به مجموع ماده و تبصره آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (غالب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . بقیه مذاکرات میانند برای جلسه بعد . خبر کمیسیون بودجه راجع بپورنه عماد دفتر مطرح است .

بصرف این کار خواهد رسید بعلاوه لزومی ندارد که مجلس این اجازه را تصویب کند البته بانک در ضمن معاملات خودش در صورتیکه مقتضی شد باین کار هم خواهد پرداخت بهرحال بنده از آقای شریعت زاده تقاضا میکنم که خودشان موافقت فرمایند و پیشنهادشان را بقسمت بلدییه ها محدود کنند

شریعت زاده - بنده محدود میکنم بقسمت بلدییه ها

شیروانی - پیشنهاد بنده را هم قرائت فرمائید

مخبر - مقرر فرمائید پیشنهاد آقای شیروانی هم خوانده شود

(شرح ذیل خوانده شد)

تبصره ذیل را بماده ۶ پیشنهاد میکنم:

تبصره - بلدییه های قسائونی تا میزان صدی سی از عایدات مسلم بخود می توانند از بانک مساعده تقاضا نمایند .

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - البته آقایان تصدیق میفرمایند که اساساً

بلدییه ها يك کار هائی دارند که با عایدات جاری خودشان نمیتوانند آنها را انجام دهند . مثلاً در يك شهری میخواهند آگوا بزنند یا لوله آب بکشند یا چراغ برق دایر کنند این قبیل اصلاحات که محتاج بیک سرمایه ایست و باید يك پول نقدی در کار باشد نمیتوانند باین کارها دست بزنند و اگر بخواهند معطل عایدات تدریجی بشوند موفق نخواهند شد .

در همه جا هم معمول است بلدییه ها از بانکها بیک مساعده هائی میگیرند و بعد بوسیله عایدات خودشان استهلاك میکنند در اینجا بنده پیشنهاد کردم تا معادل صدی سی از عایدات مسلمی که بلدییه هر نقطه دارد (البته در يك مواقعی ممکن است بیشتر بگیرند در آنوقت لایحه اش را بمجلس میآورند و مجلس تصویب میکند) ولی

ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است که از اول فروردین سال ۱۳۰۵ ماهی بیست و سه تومان شهریه در باره وراث مرحوم میرزا غفور خان عماد دفتر از محل اعتبار شهریه و مستمریات بشرح ذیل :

فاطمه خانم عمادی عیال مادام که شوهر اختیار نکرده ۷۶٫۶ قران
فاطمه خانم عمادی دختر " " " " ۷۶٫۶
فضل الله خان عمادی پسر ناسن کمتر از بیست سالگی ۷۶٫۶
پرداخت نماید

رئیس - آقای رفیع

حاج آقا رضا رفیع - موافقم

رئیس - آقای دکتر سنگ

دکتر سنگ - موافقم

رئیس - آقای دادگر

دادگر - موافقم

رئیس - آقا ضیاء

آقا سعید ابراهیم (ضیاء) - بنده يك توضیحی از آقای مخبر میخواهم و بنظر بنده در قسمت سوم که نوشته (فضل الله خان عمادی پسر ناسن کمتر از بیست سالگی) عبارت ناقص است

شیروانی - لفظ (کمتر) گویا زیادی نوشته شده بایست سال باید باشد

رئیس - مخالفی نیست .

فیروز آبادی - بنده مخالفم

رئیس - فرمائید

فیروز آبادی - بنده خیلی از آقایان شرمند و متأسفم که چرا در این مورد مخالفت میکنم ولی چکاره ندارم و با اینکه میدانم تصویب هم میشود معذرت ناچارم مخالفت کنم بعلمت اینکه آنها بیکه مرا وکیل کرده اند برای همین چیزها بنده را اینجا فرستاده اند

آنها همه گدا و پاره رهنه اند درست است . که ورنه عماد دفتر هم فقیر و پزیشانند و واجب الرعايه هستند هیچکس این مسئله را منکر نیست اما پزیشان تر و واجب الرعايه تر از اینها همین اشخاصی هستند که نه دستشان باقاین و کلاه میرسد و نه بدوات میرسد و اقلاً نه عشر از اهالی این مملکت همه فقیر و بی بضاعتند و آنوقت از اینها مالیت گرفته میشود .

و شهریه داده میشود از آن کسانی که در يك روز يك سیر آب نبات زندگانی میکنند روزی صد دینار می گیریم از کسی که روزی پنج سیر نقد میخورد روزی دهشاهی میگیریم آنوقت چطور دیانت و سایر معتقدانی که ما داریم بما اجازه می دهد که به يك همچو پیشنهادات خرجی رای بدهیم و آن را امضاء کنیم امیدواریم از توجهات آقایان نمایندگان پیشنهادات خرج کم بشود بلکه از حقوق خودشان هم کم کنند و دوست توهان را صد تومان بکنند و به اضافاتی که در سایر ادارات هست و میتوان از آنها کم کرد همه را جمع کنند و فدا کاری کنند و جهت آبادی مملکتشان و برای نگاهداری فقرا که در بیرون حالیه يك چیزهائی میخورند که خدا شاهد است اگر ما بشنویم متأثر میشویم و هر انسانی رقت خواهد کرد برای اینها صرف کنند ما باید خرج را همه روزه کم و محدود کنیم و در عوض وضعیت آن بیچاره ها را اصلاح کنیم . ما خط آهن میکشیم معادن را استخراج میکنیم تمام برای آسایش عموم است ولی خداوند میداند سزاوار نیست که از این مردم بد بخت زیاد تر از این چیزی بگیریم هر چند این وجه قابل نیست و اینها هم که برایشان پیشنهاد شده فقیرند ولی در هر صورت باید از این ترتیبات بعد از این جلوگیری کرد

رئیس - آقای رفیع

حاج آقا رضا رفیع - اگر اینوجه قابل بود و آقا

مخالفت میکردند البته بنده هم با ایشان موافق بودم ولی این اصل را آقا باید بدانند که اگر اینوجه باین فقرا

داده نشود باز از آن مردم بد بخت این مایات را میگیرند و اینکه آقا همیشه میفرمایند که من تنها وکیل پارهنه‌ها هستم کان می‌کنم تمام آقایانیکه اینجا نشسته اند همه وکیل همان مردم با برهنه هستند و همچو چیزی معلوم نیست که آراء آنها از صندوق اعیان و اشراف بیرون آمده باشد شاید روی هم رفته از صندوق اعیان و اشراف پانزده تا رأی بیرون آمده باشد و الا همه موکلین و نمایندگان همان با برهنه‌ها هستند و در اینمورد کان می‌کنم مخالفت آقا بنمورد است. و بیش از این احتیاج مذاکرات نیست جمعی از نمایندگان - صحیح است. مذاکرات کافی است.

رئیس - پیشنهاد آقای احتشامزاده قرائت میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم در ماده واحده بجای عبارت (مادام که شوهر اختیار نکرده) نوشته شود (تا سن بیست سالگی)

رئیس - آقای احتشامزاده

احتشامزاده - یکی از مسائلی که کان میکنم فوق العاده مورد نظر و توجه آقایان نمایندگان محترم است این است که حق المقدور باید سعی و اهتمام شود که ازدواج در مملکت زیاد شود و مردم باز دواج تشویق و ترغیب شوند. در اینجاده بطوری که برای این خدیره‌ها معین شده که تا موقعی که شوهر اختیار نکرده این منظور تامین نمیشود. اغلب اطلاع داریم که در حق کسانی که شهریه برقرار میشود شوهر اختیار میکنند و شهریه را هم میگیرند و چون این ماده از ازدواج جلوگیری میکند بنده مخالفم زیرا بهر وسیله که هست باید ازدواج را تشویق کرد این است که بنده این پیشنهاد را کردم مقصود این است این اشخاص مادام که سرپرست ندارند کسی را ندارند که از آنها تکفل کنند این حقوق را بگیرند اما وقتی که سرپرست پیدا کردند کسی بود که از آنها نگاه داری کنند نباید این پول را بگیرند. اگر مقصود واقعاً این است که قطعاً تا

سن بیست سالگی يك کسی پیدا خواهد شد که از اینها تکفل و نگاهداری کند ما باید در اینمورد و موقع توجه داشته باشیم و سعی کنیم که عبارت را طوری بنویسیم که ازدواج را تشویق کند

رئیس - آقا بیات

مرضی قلیخان بیات - اساساً این قسمتی را که آقای احتشامزاده بیان کردند در قانون استخدام نوشته شده که کلیه قسمت آنان تا موقعیکه شوهر اختیار نکرده اند حقوق آنها داده شود چه از حیث وظیفه و چه از حیث شهریه هر دو همینطور است و این مسئله را آقایان باید تصدیق بفرمایند که ممکن است در سن بیست سالگی هم شوهر اختیار نکند. مقصود این است تا وقتی که يك سرپرستی ندارند که از عهده مخارج آنها بر آید این حقوق را بگیرند و هر ساعتی که يك کسی پیدا شد که از عهده مخارج و گذران آنها برآمد دیگر دولت این مساعدت را نخواهد کرد و از مال دولت چیزی بآنها داده نخواهد شد حالا هم بعقیده بنده همین اصلی که در قانون استخدام ذکر شده بهتر از این قسمت است که فرمودند و همین ترتیبی که هست خوب است

رئیس - (خطاب با احتشامزاده) این پیشنهاد

جنابعالی راجع بدختر است؟

احتشامزاده - خیر

(خنده نمایندگان)

احتشامزاده - بلی راجع بعیال نیست راجع بدختر

است.

رئیس - آقای مخبر در این باب چه میفرمایند؟

مخبر - بسته بنظر مجلس است

رئیس - رای میگیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد

آقای احتشامزاده آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند

(معدودی قیام کردند)

رئیس - قابل توجه نشد. رای گرفته میشود

باصل ماده با اوراق آقایانی که تصویب می کنند اوراق سفید و الا کبود خواهند داد. لفظ (کمتر) هم حذف شده

(اخذ و استخراج آراء بعمل آمده اینطور نتیجه حاصل شد)

صورت اسامی موافقین و مخالفین

اسامی موافقین آقایان :

فهمی - دیوان بیگی - نجومي - دکتر طاهری
میرممتاز - جوانشیر - دکتر مصدق - نوبخت - افشار
دکتر لقمان - آقا علی زارع - محمد ولی میرزا - محمود رضا - احتشامزاده - فرمند - دادگر - شبروانی - غلامحسین میرزا - خطیبی - دکتر سنگ - میرزا حسنخان وثوق بهار - زعیم - معتمدالتولیه - حاج شیخ عبدالرحمن صالحی - میرزا ابراهیم آشتیانی - آوانس خان مساعد - شیخ الاسلام ملابری - بامداد - حاج آقا رضا رفیع - هاشم آقا ملک مدنی - باستانی - طباطبائی دیبا - شریعت زاده - نظام مافی - ملک ابرج پور تیمور - مهدوی - آقا حسین آقایان - شیخ العزیز بیات - آقا زاده سبزواری - دولتشاهی - افسر - مرضی قلیخان بیات - میرزا عبدالباقی جمشیدی - اسفندیاری - جلالی - اعظمی - بنی سلیمان - افخمی - میرزا عبدالله خان وثوق - فرهمند وزیری - وکیلی طباطبائی - مفتی - مقدم - میرزا حسن خان ابراهیمی - پالیزی - کیخسرو شاهرخ - دکتر رفیع خان امین - امیر اسدالله خان عامری - سهراب خان ساگینیان - شیخ محمد علی امام جمعه شیراز

مخالف : آقا شیخ محمد علی ثابت

ورقه سفید علامت قبول ۶۳ - ورقه کبود

علامت رد ۳

رئیس - عده حاضر نود و یک باشند و سه رای تصویب

شد. آقای حایری زاده

حایری زاده - بنده مدتی است قبل از دستور استعجازه میکنم که مطلبی را بعرض آقایان برسانم ولی موقع به بنده نرسید حالا در موقع ختم جلسه مناسب دیده عرض کنم و خیلی متأسفم که آقایان وزراء تشریف ندارند. دولت و مجلس همیشه باید مصالح عمومی و مسائل صحی و اخلاقی را در نظر بگیرند و مخصوصاً در موقع قانون گذاری باید مراعات این مسائل را بکنند. در مملکتی که اکثریت آنها ممکن است این عقایدی را که ما داریم نداشته باشند معذک از نقطه نظر صحی و اخلاقی يك قوانینی وضع می کنند که آن قوانین مطابق با اصول مقدس قانون اسلام است و ما هم که اکثریت این مملکت را تشکیل میدهیم و مسلمان هستیم آن توجهی را که باید در اجرای اصول مذهب اسلام مبذول کنیم نمیکنیم. هر چه بنده فکر کردم که در این باب طرحی حاضر و تقدیم کنم دیده بدمورد است برای اینکه اصول مذهب اسلام و اساس دیانت ما این حکم را بنا کرده منتها ما خودمان در اجرائش مساعدت کرده ایم. در روسیه و آمریکا مشروبات الکلی را قدغن کرده اند و میفروشند زیرا مضارش را فهمیده اند. یکی از مباحثاتی که بین ما و روس. ها است سر همین موضوع است باین معنی که سبزه و بعضی چیزهای دیگر این اوقات از ما نمیخرند و میگویند سابقاً که میخریدیم برای مشروبات الکلی بود و ما حالا آنها را قدغن کرده ایم و محتاج نیستیم ما در جرایم میخوانیم که در آمریکا کشتیهائی را که مشروبات الکلی را حمل و نقل می کنند در دریا غرق می کنند و جلوگیری میکنند.

ما باحصائیه کمرکی که ملاحظه میکنیم می بینیم مقدار زیادی مشروبات الکلی سالیانه وارد اینمملکت میشود. در صورت جزء بودجه که ملاحظه میکنیم می بینیم مبلغی دولت بعنوان رسومات دریافت میکنند معلوم میشود که دولت این را رسمی نقلی کرده در